



کمونیسم و جنبش زنان کارگر

ولادیمیر لنین

ترجمه‌ی دو سخنرانی تا
کنون منتشر نشده به زبان
فارسی از ولادیمیر لنین در
خصوص مسئله و جنبش
زنان کارگر





ولادیمیر لنین / سخنرانی در اولین کنگره سراسری
زنان کارگر شوروی / وظایف جنبش زنان کارگر در
جماهیر شوروی / اسفندماه ۱۳۹۳ برابر با
مارس ۲۰۱۵ / ترجمه و انتشار از گروه شورش

EMAIL: SHOURESH.MAGAZINE@GMAIL.COM

FACEBOOK: SHOURESH-MAGAZINE

سخنرانی در اولین کنگره‌ی سراسری زنان کارگر شوروی

سخنرانی لنین به تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۱۸. محل انتشار رسمی این سخنرانی برای اولین بار: طبق متن منتشر شده‌ی پراودا در تاریخ ۲۲ نوامبر ۱۹۱۸ و شماره‌ی ۲۵۳ این نشریه می‌باشد. منبع: مجموعه آثار لنین، انتشارات پروگرس، مسکو، جلد ۲۸، سال ۱۹۷۴، صفحات ۱۸۰-۱۸۲

متن سخنرانی

رفیق لنین توسط نمایندگان با تشویق طوفانی مورد استقبال قرار گرفت.

رفقا، به دلیل آنکه یکی از سخت‌ترین چیزها در هر کشور به حرکت در آوردن جوش و خروش زنان بوده است، به یک معنای مُعین این کنگره‌ی بخش زنان ارتش کارگران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. انقلاب سوسیالیستی مگر با حضور بسیاری از زنان کارگر که در آن نقش بزرگی در آن ایفا نمایند نمی‌تواند وجود داشته باشد.

در تمام کشورهای متمدن حتی در پیشرفته‌ترین‌شان، زنان در واقع بیش از بردگان بومی (domestic slaves) نیستند. زنان در هیچ دولت سرمایه‌داری‌ای حتی در آزادترین جمهوری‌ها از برابری کامل برخوردار نیستند.

یکی از وظایف اصلی جمهوری شوروی لغو تمامی محدودیت‌ها در خصوص حقوق زنان است. دولت اتحاد جماهیر شوروی به طور کامل قوانین رسیدگی به طلاق را که منبع تخریب، سرکوب و تحقیر بورژوازی است را منسوخ کرده است.

ولادیمیر لنین

به زودی یک سال از زمانیکه قانون آزادی کامل طلاق وضع شد، خواهد گذشت. ما یک فرمان ابطال تمام تمایزات بین فرزندان مشروع و نامشروع و از بین بردن محدودیت های سیاسی را وضع نموده ایم. برابری و آزادی برای زنان کارگر در هیچ کجای دیگری در جهان به طور کامل برقرار و وضع نشده است.

ما می دانیم که این زن طبقه کارگر است که باید فشارِ پر از گداهای کهن و فرسوده را تحمل کند.

برای اولین بار در تاریخ، قانون ما هر آنچه را که حقوق زنان را رد می کرد را حذف نموده است. اما نکته ی مهم قانون نیست. در شهرستان ها و مناطق صنعتی این قانون که به آزادی کامل ازدواج انجامیده شده است بخوبی انجام می شود، اما در روستا بیش از حد و غالباً همچون نامه ای مرده باقی مانده است (کاری از پیش نبرده است-م). در آنجا (روستا-م) ازدواج مذهبی هنوز به طور مسلط و غالب وجود دارد. این به خاطر آن است که مبارزه با نفوذ کشیشان به عنوان یک شر (شیطانی-م)، سخت تر از مبارزه با قانون کهن می باشد.

ما باید در مبارزه با تعصبات مذهبی بسیار مراقب باشیم؛ در این مبارزه برخی از افراد با به خشم در آوردن احساسات مذهبی باعث آسیب فراوانی می شوند. ما باید از تبلیغات و آموزش استفاده کنیم. تکیه بیش از حد (یکجانبه-م) به لبه ی تیز بر مبارزه ممکن است ما را تنها به افزایش ناخشنودی پاپولار (افکار سنتی عموم-م) و تحریک خشم روبرو سازد. چنان متدهای مبارزاتی ای تمایل به تداوم بخشی تقسیم مردم در امتداد خطوط مذهبی دارد، در حالی که قدرت ما در اتحاد نهفته است. عمیق ترین منبع تعصب مذهبی فقر و جهل است. و این آن شری است که باید با آن مبارزه کنیم.

وضعیت زنان تا زمان کنونی این بوده است که با یک برده مقایسه شده است. زنان به خانه بسته شده اند، و تنها سوسیالیسم می تواند آنها را از آن وضعیت نجات دهد. آنها تنها در صورتی به طور کامل آزاد خواهند شد که ما مقیاس کوچک کشاورزی فردی به کشاورزی جمعی (کلکتیو-م) و کار جمعی بر زمین را تغییر دهیم و این یک کار دشوار است.

گروه شورش

اما در حال حاضر که کمیته‌ی دهقانان فقیر تشکیل شده است، زمان آن فرا رسیده است که انقلاب سوسیالیستی را تلفیق و تثبیت (مستحکم-م) کنیم.

فقیرترین بخش از جمعیت روستایی تنها در حال حاضر شروع به سازماندهی نموده است، و سوسیالیسم به توسط یک پایه‌ی مستحکم در این تشکیلاتهای دهقانان فقیر، قابل حصول است.

در گذشته، اغلب شهر انقلابی شدند و سپس روستاها.

اما انقلاب حاضر متکی به روستا است و اهمیت و قدرت‌اش از آن سرچشمه می‌گیرد. تجربه‌ی جنبش‌های آزادی‌بخش نشان داده است که موفقیت یک انقلاب بستگی دارد به آنکه زنان چقدر در آن شرکت می‌نمایند. دولت شوروی از هر آنچه در توان دارد برای توانمند کردن زنان در انجام کار سوسیالیستی پرولتری مستقل، مضایقه و فروگذاری نخواهد نمود.

دولت شوروی در موقعیت دشواری قرار دارد، زیرا کلیه‌ی کشورهای امپریالیستی از اتحاد شوروی نفرت دارند و برای جنگ با او به عنوان جرقه‌ای که آتش انقلاب را در تعدادی از کشورها برافروخته است و گام‌های قاطعانه به سوی سوسیالیسم برداشته است، آماده می‌شوند.

هم‌اکنون که آنها برای از بین بردن شوروی انقلابی مصمم‌اند، زمین در زیر پاهایشان در حال آتش گرفتن است. شما می‌دانید که چگونه جنبش انقلابی در آلمان گسترش می‌یابد. در دانمارک کارگران در حال مبارزه با دولت‌شان هستند. در سوئیس و هلند جنبش انقلابی دارد قوی‌تر می‌شود. جنبش انقلابی در این کشورهای کوچک به خودی خود هیچ اهمیتی ندارد، اما از آن بابت دارای اهمیت ویژه‌ای است که هیچ جنگی در این کشورها وجود نداشته و از دموکراتیک‌ترین نظام "قانون اساسی" برخوردار می‌باشند. اگر کشورهایی مانند این‌ها به جوش و خروش آمده‌اند، به ما این اطمینان را می‌دهد که جنبش انقلابی در حال اعتلا (گسترش-م) در سراسر جهان است.

ولادیمیر لنین

تا کنون جمهوری دیگری نبوده است که قادر به رهایی زنان بوده باشد. دولت اتحاد شوروی به زن کمک می‌کند. آرمان ما شکست ناپذیر است، چرا که طبقه‌ی کارگر شکست ناپذیر در همه‌ی کشورها در حال شورش و بپاخاستن می‌باشد. این جنبش نشانگر این است که انقلاب سوسیالیستی شکست ناپذیر در حال گسترش است. (تشویق طولانی مدت و همه سرود انترناسیونال "بین الملل" را می‌خوانند).

وظایف جنبش زنان کارگر در جماهیر شوروی

سخنرانی لنین در چهارمین کنفرانس زنان کارگر غیرحزبی شهر مسکو

۲۳ سپتامبر ۱۹۱۹

رفقا! مایه‌ی بسی خوشحالی است که امروز در کنفرانس زنان کارگر در محضر شما هستیم. ابتدا اجازه می‌خواهم از مباحث و سوالاتی که امروزه از مهم‌ترین دغدغه‌های زن کارگر و همینطور هر شخصی آگاه سیاسی در میان اقشار کارگری است چشم‌پوشی کنم؛ مباحثی چون نان و شرایط جنگ که از بیشینه‌ی اضطراب برخوردار است. من از خلال گزارشات روزنامه‌های موجود در جلسه‌ی شما دانستم که ظاهراً پیشتر از بنده به شکلی جامع، رفیق تروتسکی به حوزه مسائل مربوط به جنگ و همینطور رفقا یاکوولفا و سویدرسکی به مسئله نان پرداخته‌اند. پس تقاضا دارم به بنده اجازه دهید به این مسائل دیگر نپردازم.

می‌خواهم چند کلامی پیرامون وظایف کلی جنبش زنان کارگر در جماهیر شوروی صحبت کنم؛ وظایفی که به طور کل با گذار به سوسیالیسم مرتبط است و در حال حاضر از اضطراب برخوردارند. رفقا! مسئله‌ی جایگاه زنان از همان ابتدای امر از سوی قوای شوروی مطرح شده بود. به نظر بنده وضعیت هر کارگر در بستر گذار به سوسیالیسم با یک وظیفه‌ی دوسویه گره خورده است. سویه‌ی نخست این وظیفه نسبتاً آسان و سهل‌الفهم است، یعنی همان قوانین کهنه‌ای که زنان را در جایگاهی نابرابر در قیاس با مردان قرار داده است.

حاضرین تمامی جنبش‌های رهایی بخش اروپای غربی برای زمان بسیار طویلی (نه دهه‌ها بلکه قرن‌ها) تقاضای نسخ چنین قوانین باطلی را مطرح کرده‌اند و خواستار شده‌اند که زن و مرد از لحاظ قانونی در جایگاه برابری قرار گیرند، اما هیچ یک از ایالات دموکراتیک اروپا –

حتی پیشروترین آنها هم - قادر نبوده چنین مطالبه‌ای را برآورده کند، زیرا هرجایی که "سرمایه داری" حاکم است، هرجایی که مالکیت خصوصی زمین و کارخانه وجود دارد و هر جا که قدرت سرمایه تثبیت شده است، بشر به دنبال حفظ منافع خود بوده. اما امکان تحقق این مسئله در روسیه وجود دارد، زیرا قدرت کارگران از ۲۵ اکتبر ۱۹۱۷ در این کشور تثبیت شده است. قوای شوروی، از همان ابتدای امر، بنیانش بر آن بود که قدرت طبقه‌ی کارگر باشد و در برابر هرگونه از استثمار بایستد. شوروی وظیفه‌ی خود می‌دانست که هرگونه امکان بهره‌کشی از کارگر از سوی صاحبان سرمایه و زمین و همینطور قانون سرمایه را بزداید. قوای شوروی تمام توان‌اش را به کار می‌گیرد تا تنظیم امورات زندگی را بدون مالکیت خصوصی زمین، مالکیت خصوصی کارخانه و یا هر جای دیگری در سراسر جهان - حتی مناطقی که آزادی مطلق سیاسی حاکم است - برای طبقه‌ی کارگر فراهم آورد؛ زیرا حتی در دموکرات‌ترین جمهوری‌ها هم کارگران از وضعیتی رنج می‌برند که شامل فقر و بردگی مزدی است، که البته زنان درچنین وضعیتی به بردگی مضاعف دچارند.

قوای شوروی که معادل قدرت مردمان کارگر است در همان ماه‌های اولیه‌ی ظهور خود بر قانون گذاری در حوزه‌ی زنان تأثیری انقلابی نهاد. در هیچ نقطه‌ای از جماهیر شوروی آن قوانین کهنه‌ای که زن را به فرمانبرداری وامی‌داشت دیگر به چشم نمی‌خورد. اشاره‌ی من مخصوصاً به آن دسته از قوانین است که از جایگاه ضعیف‌تر زن بهره می‌بردند و وی را در مقامی نابرابر و حتی مضحک قرار می‌دادند؛ به عبارتی همان قوانین مربوط به طلاق و تولد فرزند حاصل از نگاه و حق زن نسبت به احضار پدر بچه برای پرداخت نفقه.

قانون گذاری بورژوایی، بالاخص در این حوزه، حتی در پیشروترین کشورها هم از جایگاه فرودستانه‌ی زن به سود خویش بهره می‌گیرد تا زنان را به استهزا گرفته و جایگاهی نابرابر اعطایشان کند. و اتفاقاً در همین حوزه‌ی به خصوص هست که قوای شوروی تمامی آن قوانین ناعادلانه و کهنه را که برای قشر کارگر تحمل‌ناپذیر بوده است را نسخ کرده است. امروز با مباحثات و بی‌هیچ اغراقی می‌گوییم که به‌جز روسیه، هیچ کشوری در دنیا وجود ندارد که در آن زنان از برابری کامل برخوردار باشند و در جایگاهی مضحک و فرودستانه‌ی حاصل از زندگی روزمره نباشند. این نخستین و حائز اهمیت‌ترین وظیفه‌ی ما بود.

گروه شورش

اگر موقعیتی پیش آید که با یکی از احزاب مخالف با بلشویک‌ها وارد تعامل شدید، اگر روزنامه‌ای به زبان روسی در مناطق اشغال شده از جانب کویچاک یا دینکین به دستتان رسید و یا اگر به افرادی برخوردید که به تبلیغ مطالب این روزنامه‌ها می‌پردازند، شاید این اتهام به گوشتان خورده باشد که قوای شوروی دموکراسی را تباه ساخته‌اند.

ما، نمایندگان قوای شوروی، کمونیست‌های بلشویکی و حامیان قوای شوروی، گاهاً به تباه ساختن دموکراسی متهم شده‌ایم و برای اثبات آن هم [مخالفان] به این حقیقت متوسل شده‌اند که قوای شوروی، مجلس موسسان را منحل ساخته است. ما هم به این اتهام اینگونه پاسخ می‌دهیم: وقتی دموکراسی و مجلس موسسان با مالکیت خصوصی حاکم بر جهان پا به عرصه‌ی ظهور می‌نهد، وقتی برابری بین مردم حاکم نیست، وقتی صاحب سرمایه ریاست می‌کند و دیگر افراد ملزم هستند که برایش کار کنند و برده مزدی وی باشند، ما برای این دموکراسی تره هم خورد نمی‌کنیم. چنین دموکراسی‌ای حتی در پیشروترین کشورها هم بردگی را نهان ساخته است. ما سوسیالیست‌ها حامی دموکراسی خواهیم بود تنها اگر این دموکراسی بتواند جایگاه اقشار کارگری و سرکوب شده را بهبود بخشد. سوسیالیسم در سراسر جهان وظیفه‌ی خود می‌داند که با هرگونه استثمار انسان بر انسان مبارزه کند. از منظر ما دموکراسی راستین آن است که در خدمت اقشار سرکوب شده و محروم از مزایای اجتماعی باشد. اگر آنانی که کاری انجام نمی‌دهند از حقوق اجتماعی محروم شوند آن وقت برابری واقعی میان مردم حکمفرما خواهد شد. آنهایی که کار نمی‌کنند نباید هم چیزی بخورند.

در پاسخ به این اتهامات باید گفت که مسئله را باید اینگونه مطرح کرد که "دموکراسی در کشورهای مختلف چگونه عمل می‌کند؟" در تمامی جماهیر دموکراتیک ادعای برابری وجود دارد، اما در حوزه حقوق شهروندی و قوانین مربوط به حق زنان - یعنی آن دسته از قوانین که جایگاه در خانواده و مسئله‌ی طلاق را شامل می‌شود - شاهد نابرابری و استهزای زنان در هر مرتبه هستیم و معتقدیم که این به معنای تباه کردن دموکراسی مخصوصاً نسبت به قشر سرکوب شده می‌باشد. قوای شوروی دموکراسی را در سطح بالاتری از قریب به اتفاق کشورهای پیشرو به اجرا درآورده، زیرا در قوانین آن ردی از نابرابری زنان دیده

ولادیمیر لنین

نمی شود. دوباره لازم به ذکر می‌دانم که بگویم هیچ دولت یا بنیان قانون‌گذار دیگری تابحال حتی نصف آنچه قوای شوروی در ماه‌های اولیه‌ی ظهور خود برای زنان به اجرا درآورده را انجام نداده است.

البته شایان ذکر است که قوانین بخودی خود کافی نیستند و ما ابداً با این مقررات راضی نمی‌شویم. اما در حوزه‌ی قانون‌گذاری هرآنچه که لازم بود تا برای قرار دادن زنان در موضعی برابر انجام دهیم را بجا آوردیم و به همین خاطر هم به خود می‌بالیم. اکنون جایگاه زنان در روسیه در قیاس با پیشروترین دولت‌ها جایگاهی ایده‌آل است. اما این را هم می‌دانیم که این تنها آغاز کار است.

از آنجایی که زن همچنان در قید وظایف خانه است، در شرایط سختی به سر می‌برد. برای اِعمالِ رهاییِ وی و برابر ساختن‌اش با مرد لازم است که اقتصاد ملی سوسیالیستی شود و بر زنان هم واجب است که در کار تولیدی جمعی حضور یابند. بعد از این زنان جایگاهی برابر با مردان خواهند یافت.

البته ما هم اینجا جمع نشده‌ایم که تا جایی که به بهره‌وری کار، کیفیت کار و مدت زمان کار روزانه و شرایط کار و غیره مربوط می‌شود در باب برابر ساختن زنان با مردان صحبت کنیم؛ منظور اینکه برخلاف مرد، زن نباید به خاطر جایگاه‌اش در خانواده سرکوب شود. شما خود واقف هستید، حتی زمانی که زنان از تمامی حقوق بهره‌منداند، باز هم حقیقتاً بایکوت و منکوب می‌شوند زیرا که تمامی کار خانه به دوش آنان است. در بیشتر موارد هم کار خانه غیرتولیدی‌ترین، غیرمتمدنانه‌ترین و پرزحمت‌ترین کاری است که یک زن می‌تواند انجام دهد. گویا اصلاً اسم‌اش کار نیست و از هیچ رو منجر به ترقی زن هم نمی‌شود.

با تعقیب ایده‌آل سوسیالیستی ما می‌خواهیم برای به اجرا آوری تمام و کمال سوسیالیسم مبارزه کنیم تا از این طریق یک حیطة‌ی وسیع کاری در برابر زنان گشوده شود. ما مشغول فراهم سازی زمینه‌ی لازمه برای ایجاد سوسیالیسم هستیم، اما ساختن سوسیالیسم تنها زمانی آغاز خواهد شد که به برابری کامل زن نائل آئیم و کارهای جدید را در کنار زنانی که از مشاغل جزئی، احمقانه و غیرتولیدی رهایی یافته‌اند به عهده گیریم.

البته این عمل خیلی زود به نتیجه نمی‌رسد و تأثیر بهنگام نخواهد داشت.

ما در حال ساخت اشکالی از موسسات هستیم -مانند سالن‌های غذاخوری و درمانگاه- تا زنان را از کار خانگی رهایی بخشد و وظیفه‌ی گرداندن این موسسات هم به عهده‌ی خود زنان خواهد بود. باید پذیرفت که در روسیه‌ی امروز موسسات کمی هستند که زنان را به خروج از وضعیت بردگی خانگی هدایت کنند. تعدادی بسیار کمی از این موسسات هستند و متأسفانه شرایطی هم که امروز در شوروی حاکم است -من جمله همین مسئله‌ی غذا و جنگ که رفقا پیشاپیش درباره‌اش سخن گفته‌اند- در این عرصه به مثابه‌ی مانعی بر سر راه ما ظاهر می‌شوند. اما، با وجود تمامی این موانع هم باید گفت این موسسات که همان راه رهایی زنان از وضعیت بردگی خانگی هستند هر جایی که شرایط فراهم باشد سر بر می‌آورند.

ما معتقدیم که رهایی کارگران باید از سوی خود کارگران رقم خورد و درباره‌ی زنان هم دقیقاً همین موضع را داریم، یعنی رهایی زنان کارگر هم باید مسئله‌ی خود زنان کارگر باشد. زنان کارگر باید خودشان پیگیر توسعه‌ی این موسسات باشند و همین پیگیری‌ها تغییری بنیادین در وضعیتشان در قیاس با شرایط پیشین یعنی جامعه سرمایه‌داری به ارمغان می‌آورد.

از آنجایی که برای فعال سیاسی بودن تحت حاکمیت رژیم کاپیتالیستی سابق آموزش‌های خاصی لازم بوده، به همین دلیل حتی در پیشروترین کشورهای آزاد کاپیتالیستی هم زنان نقش چندانی در سیاست ایفا نمی‌کردند. وظیفه‌ی ما این است که سیاست را برای هر زن کارگری دست یافتنی کنیم. از زمانی که مالکیت خصوصی زمین و کارخانه از بین رفته و قدرت صاحبان زمین و کاپیتالیست‌ها سرنگون شده، وظیفه‌ی سیاست ورزی هم برای تمامی کارگران من جمله زنان کارگر آسان، شفاف و قابل فهم شده است. در جامعه‌ی کاپیتالیستی جایگاه زن به گونه‌ای نابرابر رقم خورده که حیطة حضور وی در سیاست در قیاس با مردان اصلاً به چشم نمی‌آید. ضروری است که قدرت اقشار کارگری برای تغییر این شرایط بکار گرفته شود، زیرا حیطة سیاست ورزی شامل مسائلی است که مستقیماً سرنوشت خود همین کارگران را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

ولادیمیر لنین

اینجا هم حضور زنان کارگر الزامی است؛ نه تنها آنهایی که از اعضای حزب هستند و در زمره‌ی زنان آگاه سیاسی جای می‌گیرند، بلکه حتی آن دست از غیرحزبی‌ها و آنهایی که از کمینه‌ی آگاهی سیاسی برخوردارند. در اینجاست که قوای شوروی حوزه وسیعی از فعالیت را به روی زنان کارگر می‌گشاید.

ما زمان‌های دشواری را برای مبارزه با نیروهای مهاجم دشمن شوروی سپری کردیم. برایمان بسیار دشوار بود که در آوردگاه در برابر نیروهایی بکنجیم که به ستیزه با قشر کارگر برخاسته بودند و در حوزه‌ی امکانات غذایی هم از زمره‌ی سودجویان محسوب می‌شدند. زیرا تنها تعداد اندکی از ملت کارگر با تمام وجود با توان کاریشان به یاری ما جستند. در اینجا هم باید از توده‌های زنان کارگر غیرحزبی قدردانی کرد. آنها احتمالاً می‌دانند که در جامعه‌ی بورژوایی پیشین یک دوره آموزشی جامعه برای شرکت در سیاست ضروری بود؛ آموزشی که زنان به آن دسترسی نداشتند. فعالیت سیاسی جماهیر شوروی بر مبارزه با صاحبان زمین و سرمایه بنا شده، مبارزه برای زُدایش استثمار. پس با این حساب فعالیت سیاسی برای زن کارگر هم در شوروی فراهم می‌شود و زن کارگر هم از توانایی سازماندهی خود بهره خواهد جست تا به مرد کارگر یاری رساند.

آنچه که ما بدان محتاجیم تنها کار سازمانی میلیونی نیست؛ لازم است که کار سازمانی در ابعاد کوچکتری صورت گیرد تا زنان هم در آن شرکت جویند. زنان در وضعیت جنگی هم، یعنی وقتی که صحبت از کمک به ارتش یا شرکت جستن در تلاطم جنگ است، توان نقش آفرینی دارند. زنان باید فعالانه در این حوزه حضور یابند تا ارتش سرخ احساس کند که از پشتیبان برخوردار است. زنان حتی می‌توانند در حوزه‌ی توزیع مواد غذایی، توسعه آذوقه‌ی عمومی و در هر جای دیگری که غذاخوری همگانی وجود دارد (مانند آنهایی که در پتروگراد به وفور دیده می‌شود) شرکت جویند.

در این زمینه‌ها است که فعالیت‌های زنان کارگر بیشترین اهمیت سازمانی را می‌یابد. شرکت جویی زنان کارگر در سازمان و اداره‌ی زمین‌های زراعی آزمایشی بزرگ هم ضروری است و نباید تنها در موارد ایزوله تعریف شود. و این همان چیزی است که بدون حضور تعداد بیشمار زنان کارگر تحقق پذیر نمی‌باشد. زنان کارگر قادرند در زمینه‌ی

گروه شورش

نظارت بر توزیع غذا و تسریع تولید مواد غذایی هم نقش بسزایی ایفا کنند، عملی که توسط زنان غیرحزبی هم تحقق پذیر است و خیرش هم بیشتر از هرچیز دیگری به توامندسازی جامعه‌ی سوسیالیستی می‌رسد.

ما مالکیت خصوصی بر زمین را برانداختیم و تقریباً در براندازی تمام و کمال مالکیت خصوصی کارخانجات هم موفق بودیم. قوای شوروری امروز تلاش می‌کند که تمامی کارگران، چه حزبی و چه غیرحزبی، چه زن و چه مرد، در این توسعه‌ی اقتصادی نقشی ایفا کنند. کاری که قوای شوروی آغاز کرده تنها زمانی به ثمر می‌نشیند که میلیونها زن، منهای چندصدتا البته، در سراسر روسیه در آن شرکت جویند. ما ایمان داریم که بعد از آن نهضت توسعه‌ی سوسیالیستی بنا خواهد شد و کارگران نشان خواهند داد که قادرند زیست کنند و کشور خود را بدون کمک صاحبان زمین و سرمایه اداره کنند. ساختار سوسیالیستی به گونه‌ای در روسیه پا خواهد گرفت که مین‌بعد هیچ دشمن خارجی و یا داخلی تهدیدی برای جماهیر شوروی نخواهد بود.



شورش بر حق است



WWW.SHOURESH-IRAN.BLOGSPOT.COM